

## با نیروی همبستگی طبقاتی و مبارزه متحدانه محمود صالحی از زندان آزاد می شود

کیوان امیری الیاسی

بیست نهم فروردین ماه هشتاد و شش

ساعت ۱۲:۳۰ دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۸۶ نیروهای امنیتی با مراجعه به محل کار محمود صالحی از رهبران شناخته شده جنبش کارگری ایران به بهانه حرف زدن در مورد چگونگی برگزاری مراسم اول ماه مه، وی را به دادسرای شهر سقز بردند، در دادسرای این شهر بعد از ابلاغ حکم دادگاه تجدید نظر استان مبنی بر یک سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی، نیروهای انتظامی، محمود صالحی را بازداشت و تحت تدابیر شدید امنیتی به بند ۹ زندان شهر سنندج انتقال دادند. محمود صالحی در اعتراض به نحوه دستگیری و اجرای حکمش از امضای ابلاغیه خودداری کرده است. به عبارت بهتر محمود حکمی را که صادر شده است به رسمیت نشناخته است. چرا که برگزاری مراسم روز کارگر مستقل از دولت و نهاد های کارگری وابسته و خائنی چون خانه ی کارگر و شوراهای اسلامی کار حق طبیعی و انکار ناپذیر کارگران است. هیچ کارگری نباید برای برگزاری روز خود مورد اذیت و آزار قرار گیرد و دستگیر و زندانی شود. همچنین جلال حسینی از دیگر فعالین کارگری نیز روز ۲۱ فروردین به دادسرای سقز احضار شده است. جلال حسینی و محسن حکیمی هم هر یک به یکسال حکم تعلیقی محکوم شده اند و به آنها گفته شده است در صورت برگزاری مراسم اول ماه مه امسال حکم تعلیقی آنها هم تائید خواهد شد.

بازداشت غیر قانونی محمود صالحی (بدون ابلاغ حکم به وکیلش) امکان هر گونه آمادگی را از محمود صالحی گرفته است به گونه ای که محمود حتی فرصت نیافت دارو و نیازمندی های پزشکی اش را با خود ببرد. محمود صالحی در وضعیت جسمی بسیار خطرناکی به سر می برد. کلیه ی سمت چپ خود را به طور کلی از دست داده و کلیه ی سمت راستش با ظرفیت ناقص فعال است. ساعت ۵ بعد از ظهر روز شنبه ۲۵ فروردین تعدادی از کارگران سندیکای خبازان سقز و نیز تعداد زیادی از مردم سقز به نشانه همبستگی با ایشان در محل این سندیکا تجمع نمودند است و در اعتراض به دستگیری محمود صالحی دست به سکوت نمادین زدند. در نتیجه ی بورش نیروهای امنیتی به این تجمع محمد عبدی پور (از فعالین کارگری و از همراهان محمود صالحی که در اول ماه مه ۸۳)، سامرند صالحی (فرزند محمود صالحی) و بیش از ۲۰ نفر از کارگران بازداشت شدند. همچنین فردی به نام "علا کرمی" وارد محل کار جلال حسینی شده و میگوید که قصد کشتن جلال را دارد. این فرد و همراهانش به ضرب و شتم جلال میپردازد به طوری که فک جلال دچار صدمه جدی شده است.

محمود صالحی کارگر ناوابی است که از نه سالگی کارگری را شروع کرده است. محمود در جریان کار از خودبیگانگی و استثمار انسان ها را درک کرده است. او در تشکیل سندیکای کارگران خباز نقشی محوری ایفا کرده است. این کارگر پیشرو و آگاه بیش از شش سال از عمرش را به خاطر دفاع از طبقه ی کارگر و مبارزه با

مناسبات غیر انسانی در زندان سپری کرده است. بارها و بارها مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته است و در اثر شکنجه، دچار فتق، شکستگی ناخنهای دست، پا و دندهایش شده است.

محمود صالحی در سال ۱۳۸۳ با مسئول کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری تماس برقرار کرد و به بازگویی مشکلات و مسائل کارگران ایران پرداخت. متعاقب آن محمود صالحی برای ایجاد حرکت مستقل اول ماه مه در سال ۸۳ کوشش زیادی به خرج داد. در نتیجه ی این اقدامات او و شش تن از همزمانش (جلال حسینی، محسن حکیمی، برهان دیوارگر، هادی تنومند، اسماعیل خودکام، محمد عبدی پور) بازداشت شدند در نتیجه ی بازداشت محمود صالحی و دیگران فعالین کارگری مراسم اول ماه مه در سقز ناتمام ماند اما محمود و همزمانش ادامه ی مراسم را در زندان برگزار کردند. فشارهای مختلف به این فعالین از همان لحظات اول بازداشت آغاز شد اما در پاسخ به این فشارها محمود و دیگر فعالین کارگری دست به اعتصاب غذا زدند تا با این کار صدای خود را به تمام انسان های آزادی خواه و برابری طلب دنیا برسانند. خبر دستگیری این فعالین کارگری و نیز اعتصاب غذای آن ها با جنبش حمایتی بی نظیری متشکل از صدها نهاد کارگری و انسان دوست در سراسر دنیا پاسخ داده شد. در نتیجه ی کارزار وسیع و متحدانه ای که در داخل و خارج از کشور برای آزادی این فعالین کارگری ایجاد شد. محمود و سایر فعالین کارگری دستگیر شده به قید وثیقه های سنگین موقتاً آزاد شدند. وثیقه های سنگینی که برای آزادی این فعالین طلب شده بود به هیچ وجه در حد استطاعت اقتصادی آن ها نبود. وثیقه ها به همت مردم قهرمان سقز جمع شد. (برای هر کدام از فعالین سند حدود ۱۵ تا ۲۰ خانه در شهر سقز گرو گذاشته شد) محمود از این خاطره در اهمیت گره خوردن جنبش کارگری با خواست های توده ی مردم یا به عبارت بهتر توده ای شدن مبارزات استفاده می کرد. طی این چند سال محمود و سایر همزمانش همواره در دادگاه ها در رفت و آمد بودند، این مبارزین رهایی طبقه ی کارگر اما در تمام این مدت و در دادگاه های مختلف از منافع طبقه ی کارگر دفاع کرده اند و قدمی عقب نشینی نکرده اند. در حالیکه که اعتراضات کارگری گسترش یافته و قدم های مهمی در راه اتحاد عمل کمیته های کارگری برداشته شده است، کارگران شرکت واحد اعلام تجدید انتخابات سندیکای خود را نموده اند و فعالین کارگری عزم راسخ خود برای برگزاری اول ماه مه را اعلام نموده اند و در شرایطی که جنبش معلمان وارد فاز جدیدی از مبارزه ی خود شده است و معلمان اعلام کرده اند که علی رغم همه ی فشارها و سرکوب ها تا رسیدن به خواسته هایشان دست از مبارزه برنخواهند داشت؛ بازداشت و محکومیت محمود صالحی و احضار جلال حسینی که در انتظار حکم نهایی دادگاه تجدید نظر بسر می بردند، آنهم در آستانه برگزاری مراسم اول ماه مه بیانگر این واقعیت است که بورژوازی و حکومت اسلامی از جنب و جوش جنبش کارگری و به صحنه آمدن نیروی سوم (نیروی کارگران و زنان، نیروی همه ی انسان هایی که برای دنیایی بهتر می جنگند) به طور عام و فعالیت فعالین و پیشروان کارگری برای برگزاری هر چه با شکوه تر مراسم اول ماه مه به طور خاص در وحشت است.

به راستی چرا حاکمیت که بر قله ی انرژی هسته ای تکیه زده است از محمود صالحی و همزمانش می ترسد؟ در شرایطی که جدال اسلام سیاسی (به پشتوانه ی سرمایه ی رانتی و قشرهای دیگری از سرمایه) و سرمایه ی جهانی در منطقه ی خاورمیانه و به خصوص در ایران به مرحله ی حادی رسیده است و هر دو طرف با جنگ افروزی افق سیاهی را مقابل روی مردم ایران قرار داده اند. هر دو طرف از به میدان آمدن جنبش های اجتماعی به

خصوص جنبش هاي کارگري و زنان مي ترسند چرا که اين جنبش ها راهکار را در چانه زني يا تعيين تکليف خشونت آميز در راس هرم قدرت نمي جويند. اين جنبش هاي مصمم به رجوع به خواست راديکال توده هاي مردم براي ايجاد دنيايي بهتر هستند. تمام ترس هر دو طرف آمدن نيرويي به صحنه است که دست کليت سرمايه را از جان انسان ها کوتاه کند و در برابر هر گونه مناسبات غير انساني قد علم کند. هر دو طرف از حضور نيرويي در هراس اند که هم به چکمه پوشان آميريکايي نه بگويد و هم در برابر اسلام سياسي قد علم کند. هر دو طرف از حضور نيروي سومي که فرديايي روشن را براي مردم ايران ترسيم کند در هراس اند. بدون شک محمود صالحی در صف اول اين نيروي سوم ايستاده است. بورژوازي و حکومت اسلامي از سازمان يابي طبقه ي کارگر مي ترسد. ايران عضو سازمان بين المللي کار است و مقاله نامه هاي ۹۸ و ۸۷ سازمان بين المللي کار را در ارتباط با آزادي تشکل ها امضا کرده، اما عملا از اجراي اين مفاد سرباز مي زند. محمود صالحی در صف مقدم مبارزه براي تشکل هاي مستقل کارگري نبرد کرده است. بورژوازي و حاکميت مي دانند که محمود صالحی از چه درجه اي از اعتبار و محبوبيت نزد کارگران ايران و مردم کردستان برخوردار است. آن ها خوب مي دانند که محمود صالحی به یک سنت و جنبش اجتماعي-کارگري تعلق دارد. تمام اين ها دلايل وحشت سرمايه داري از مبارزيني چون محمود صالحی است.

در نتيجه ي تلاش و مبارزه ي محمود صالحی و ديگر فعالين کارگري سازمان جهاني کار ۱۵ فوريه را به عنوان روز حمايت بين المللي از جنبش کارگري اعلام کرد. بدون شک مبارزه ي محمود و همزمانش براي برگزاري مراسم اول ماه مه سال ۸۳ در تلاش براي سازمان يابي کارگران موثر بوده است. نقش مبارزه ي آنان و نيز تلاش پيگير و متحد براي آزادي اين فعالين در شکل گيري کميته هاي کارگري از جمله "کميته ي هماهنگي براي ايجاد تشکل کارگري" و "کميته ي پيگيري براي ايجاد تشکل کارگري"، "کميته ي دفاع از کارگران بيکار انکارناپذير است. (محمود صالحی سخنگوي کميته ي هماهنگي براي ايجاد تشکل کارگري است) زماني که سازمان جهاني کار شوراهاي اسلامي کار و خانه ي کارگر را به عنوان تشکل کارگران ايراني به رسميت شناخت محمود صالحی ساکت نشست و بي پرده به سازمان جهاني کار به دليل به رسميت شناسايي شوراهاي اسلامي و خانه کارگر اعتراض کرد. او به کنفدراسيون اتحادييه هاي آزاد کارگري نوشت: "همانطور که مطلعيد چند روز پيش نماينده ي سازمان جهاني کار در تفاهم نامه اي با وزارت کار ايران و خانه ي کارگر، عملا شوراهاي اسلامي را با ايجاد تغييراتي مطابق مقاله نامه هاي سازمان جهاني کار دانسته و آنها را به عنوان نماينده کارگران خواهد پذيرفت. شخصا فکر نمي کنم اين تفاهم نامه هيچ واکنشي در جنبش کارگري ايران برانگيزد، زيرا کارنامه ي شوراهاي اسلامي نزد کارگران ايران روشن تر از اينهاست. به رسميت شناخته شدن شوراهاي اسلامي از جانب سازمان جهاني کار وقفه اي در مبارزه ما براي ايجاد تشکل هاي واقعي مان ايجاد نمي کند. ما کارگران ايران مي دانيم که بايد به نيروي مبارزه خودمان تشکلهامان را بسازيم و نگاه داريم و موجوديت آنها به دولت و صاحبان سرمايه ايران بقبولانيم. در اين مبارزه طولانی البته روي نيروي همبستگي کارگران کشورهاي ديگر حساب مي کنيم. کنفدراسيون جهاني اتحادييه هاي کارگري آزاد که یکی از سه رکن سازمان جهاني کار است بايد از حق ما براي ايجاد تشکل در ايران دفاع کند و به تفاهم نامه اخير سازمان جهاني کار رضايست ندهد. خوشحال مي شوم که مرا و همه ي کارگران ايران را از نظرات و اقداماتتان در درباره اين تفاهم نامه مطلع سازيد." نام محمود صالحی از جنبش کارگري ايران

حذف ناشدنی است محمود صالحی زبان گویا و رادیکال طبقه ی کارگر ایران و مردم کردستان است. سکوت در برابر بازداشت او پشت کردن به تمام دست آوردهای طبقه ی کارگر در سال های اخیر است.

تاکنون کمیته ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اراچی و بیکار، اتحاد کمیته های کارگری، اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران نساجی شاهو، کارگران نساجی کردستان، جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، جمعی از کارگران کارخانه پرریس، جمعی از کارگران اراچی آلومین، جمعی از کارگران پتروشیمی کرمانشاه، جمعی از کارگران عسلویه، کارگران گرداننده سایت شورا، کمیته ی دفاع از حقوق دستگیر شدگان اول ماه مه، فعالین جنبش لغوکار مزدی، جمعی از کارگران و فعالین کارگری شهرستان نقره و ده ها کمیته ی کارگری و حزب سیاسی در خارج از کشور ضمن محکوم کردن بازداشت محمود صالحی خواستار آزادی بی قید و شرط او شده اند. همچنین انترناسیونال کارگران ساختمان و صنایع چوب که نمایندگی ۳۵۰ اتحادیه و ۱۲ میلیون کارگر در سراسر جهان را به عهده دارد، اتحادیه ی کارگران ساختمانی جنگلداری مهند کاری و انرژی استرالیا، رئیس کمیته همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی آنتاریو کانادا، کال لارسون و هانس اینده (دو عضو کمیته روابط خارجی پارلمان سوئد) با ارسال نامه هایی به احمدی نژاد خواستار لغو احکام صادره علیه کارگران سقز و آزادی فوری و بدون قید و شرط محمود صالحی شده است. در این میان سکوت معنی دار و آغازین سندیکای اتوبوسرانی و نیز نپیوستن این سندیکا به اتحاد کمیته های کارگری و زمزمه ی برنامه ی مستقل در اول ماه پرسی برانگیز و غیر قابل گذشت است.

راهکار بازداشت فعالین جنبش های اجتماعی برای ممانعت از برگزاری آکسیون های اعتراضی مساله ی جدیدی در مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه ی مردم ایران نیست. پیش از این و در سال های اخیر از همین حربه در مقابله با جنبش های دانشجویی و زنان قبل از مراسم ۱۶ آذر و ۸ مارس استفاده شده است. محمود صالحی بهتر از هر شخص دیگری دلایل بازداشتش را در نامه ای به گای رایدر توضیح داده است: "در واقع دستگیری من سه هفته قبل از اول مه ۲۰۰۷ یک اقدام سیاسی است و نه قضائی. آنها مرا در این شرایط معین دستگیر کرده اند تا برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه امسال دچار مشکل شود و تلاش کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای مستقل از دولت دچار سستی گردد." سوالی که باید به آن پاسخ داد این است: آیا ایجاد فضای رعب و وحشت مانع برگزاری گسترده مراسم اول ماه مه امسال می شود؟

محمود صالحی از فعالین کارگری است که سنت برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه را در بدترین شرایط در کردستان زنده نگاه داشته است. به عبارت بهتر نام محمود صالحی با برگزاری مراسم مستقل روز کارگر در ایران گره خورده است. او اثبات کرده است که به برگزاری مراسم اول ماه مه در کوهستان های کردستان و در اطراف شهرها یا در سالن های سر بسته رضابت نمی دهد و خواستار کشیده شدن این مراسم به خیابان هاست. جایی که توده های بی شمار کارگر می توانند به شیوه ای رادیکال به بیان خواسته هاشان بپردازند. امسال جنبش کارگری و متحدانش مراسم اول مه را نه فقط در کردستان بلکه در گوشه گوشه ی ایران برگزار خواهند کرد و شعار آزادی محمود صالحی را سر خواهند داد و تاکید خواهند کرد که با ایجاد صف همبستگی طبقاتی و نیروی مبارزه متحدانه محمود صالحی از زندان آزاد می شود. محمود صالحی در شرایطی که در زندان سندانج در بدترین شرایط جسمی به

سر مي برد محکم و استوار پاسخ اين حربه ي بورژوازي و حاکميت را مي دهد: " اما آنها از اين نکته غافلند که من متعلق به یک جنبش اجتماعي – کارگري هستم. آنها غافلند که من و ساير فعالين کارگري و مردم مبارز به شيوه جمعي کار ميکنيم. اين جنبش با اين شيوه کار هميشه اين امکان را دارد تا جاي خالي افرادش را پر کند. حتي اين احتمال وجود دارد که فعالين جنبش کارگري در چنين شرايطي بر ميزان فعاليت خود به لحاظ کمي و کيفي بيفزايند و مراسم مستقل روز جهاني کارگر را باشکوه تر از قبل برگزار کنند. اين امکان وجود دارد که تلاش براي ايجاد تشکلهاي مستقل کارگري مضاعف شود. " امسال براي ادای دين به محمود صالحی و تمام مبارزيني که براي برگزاري مراسم اول ماه مه و دفاع از منافع طبقه ي کارگر جنگيده اند با شکوه تر از هميشه و با شعار آزادي محمود صالحی به استقبال آن خواهيم رفت.

## کيوان اميری الیاسی

### اختصاصی وبلاگ کارگر

نوشته شده در چهارشنبه بیست و نهم فروردین ۱۳۸۶ ساعت ۱۶:۵۹ توسط کارگر